

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط بین زوجین

(مطالعه‌ی موردی: شهر تهران)

حسین حیدری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط بین زوجین است. روابط بین زوجین در این پژوهش در پنج بعد رضایت جنسی، صمیمیت بین زوجین، حل تعارض بین زوجین، خشونت بین زوجین، توافق مالی بین زوجین و توافق زوجین در تربیت فرزند مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش پیمایش و حجم نمونه برابر با ۳۴۰ نفر از افراد متأهل شهر تهران است. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رضایت جنسی، بالاترین میانگین را بین متغیرهای روابط بین زوجین دارا است. تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر خشونت بین زوجین، توافق در تربیت فرزندان، صمیمیت بین زوجین، تعارض بین زوجین، روابط مالی بین زوجین و رضایت از روابط جنسی زوجین را تبیین می‌کند. بر اساس نتایج این پژوهش صرف کاربری و عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر مثبت یا منفی بر روابط بین زوجین ندارد، بلکه کیفیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است که تأثیر و پیامدهای مثبت و منفی آن را مشخص می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ خشونت خانگی؛ روابط بین زوجین.

^۱ استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

hs.heidari@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی بستری است برای پیوند اجتماعی و همچون سایر نهادهای اجتماعی ترتیبات اساسی زندگی را که انسان‌ها در کنش متقابل با یکدیگر پیدا می‌کنند و از طریق زندگی در طول نسل‌ها تداوم می‌یابد فراهم می‌کند. تحولات جوامع به خصوص سرعت فزاینده‌ی تغییرات و تأثیر این تغییرات بر ساخت و کارکرد خانواده، آن را به قول گیدنز^۱ به صورت مناقشه‌انگیزترین بحث‌های سیاست مدرن در آورده است (شکوری و آزاد، ۱۳۸۱: ۲۴۷). به تعبیر گیدنز «در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ کدام به اندازه‌ی اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسیتی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. در خصوص این که ما چگونه فکر می‌کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم «انقلابی» در جریان است. این انقلاب در مناطق و فرهنگ‌های مختلف با سرعت‌های متفاوت و با مقاومت‌های زیاد در حال پیش‌روی است» (گیدنز، ۱۹۹۲).

یکی از این تحولات، روابط بین زوجین است. زن و شوهر مهم‌ترین ارکان یک خانواده هستند که روابط متقابل آن‌ها مناسبات خانواده را رقم می‌زند و کانون خانواده مبتنی بر تعامل این دو است. اما این روابط به باور بسیاری با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی دچار تغییر شده است. باومن^۲ معتقد است تکنولوژی‌های ارتباطی و صنعت ارتباطات هم‌زمان مرزهای زمان و مکان را شکسته و فضای مجازی ایجاد می‌کنند و افراد به شیوه‌های نوین در آن به تعامل می‌پردازند. باومن مانند گیدنز به تأثیر مدرنیته بر ارتباطات و هم صدا با مانوئل کاستلز^۳ (۱۳۸۵) بر تأثیر تکنولوژی‌های ارتباطی بر زندگی اجتماعی تأکید دارد. به نظر باومن ارتباطات بین انسان‌ها تغییر کیفی داشته و مهم‌ترین عامل این تغییر رشد زندگی مدرن با ویژگی‌های عقلانی و حساب‌گرایانه‌اش، شهرنشینی و تکنولوژی‌های ارتباطی و وسایل ارتباط جمعی است. سیالیت و شکنندگی زندگی مدرن بر روابط انسانی نیز تأثیر گذاشته و آن را بسیار سست، شکننده و زودگذر کرده است (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱). ورود اینترنت و رسانه‌های اجتماعی به حریم خانواده، نوع روابط، حقوق و تکالیف مربوط به نقش‌ها و وظایف زوجین نسبت به یکدیگر

¹ Giddens² Bauman³ Castells

را دستخوش تغییر کرده است. گاهی نوع روابط حاکم بر این رسانه‌ها، در تعارض با ارزش‌ها و هنجارهای موجود جامعه قرار دارد و موجب رواج ارزش‌هایی می‌شود که با سنت و عرف رایج جامعه تباین دارد و ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده‌ی فرد را به چالش می‌کشد؛ این تقابل و تباین ارزشی می‌تواند زمینه‌ساز بروز بحران در روابط بین زوجین و روابط خانوادگی شود؛ زیرا هر شبکه‌ی اجتماعی فرهنگ ارتباطی خاص خود را دارد، یعنی منش و گفتار مخصوص و منحصر به فردی را برای خود برگزیده است. در واقع تکنولوژی با ورود خود به خلوت افراد، بسیاری از روابط انسانی را متحول و الگوی جدیدی از روابط بین فردی را ایجاد کرده است. بنابراین فقط ارزش‌ها نیستند که دچار تغییر شده‌اند. چیزی که به همان اندازه اهمیت دارد، تغییر توقعات و انتظارات مردم از روابط و مناسبات خویش با دیگران است. اصطلاح رابطه^۱، به معنایی که برای زندگی شخصی به کار می‌رود در سه دهه‌ی اخیر کاربرد عمومی پیدا کرده؛ درست مثل این فکر که در زندگی شخصی به «صمیمیت» یا «تعهد» و پای‌بندی نیاز هست. ارتباط و دادوستد عاطفی نه تنها در روابط عشق جنسی بلکه در دوستی‌ها و کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان نیز اولویت پیدا کرده است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

شواهد از گسترش قابل توجه فعالیت افراد جامعه در شبکه‌های اجتماعی مجازی حکایت دارد؛ به طوری که این فناوری توانسته است جایگاه ویژه‌ای در زندگی اجتماعی و خصوصی افراد برای خود ایجاد کند. این پدیده علی‌رغم گشودن دنیای جدیدی در روابط بین فردی، آن‌ها را در انزوای بیش‌تری نسبت به گذشته قرار داده است؛ چرا که روابط چهره به چهره با شبکه‌ی اجتماعی افراد نزدیک به شدت آسیب دیده است؛ ولی هنوز درباره‌ی این که شبکه‌ها تا چه اندازه بر روابط زوجین تأثیر دارند و چقدر از تغییرات روابط زوجین از این شبکه‌ها منبعث شده ابهامات زیادی وجود دارد. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال است که با توجه به ضریب بالای نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی، این شبکه‌ها تا چه حد توانسته‌اند روابط زوجین را تحت تأثیر قرار دهند.

پیشینه‌ی تجربی پژوهش

تحقیقات مرتبط با روابط بین زوجین طیف وسیعی از تحقیقات درباره‌ی زوجین را شامل می‌شود. موحدی و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی رابطه‌ی رضایت زناشویی، صمیمیت و کیفیت

¹ Relationship

روابط زناشویی با گذشت به این نتیجه رسیدند که رضایت زناشویی، صمیمیت و کیفیت روابط زناشویی با گذشت همبستگی مثبت و معناداری دارند و افرادی که به همسر خود گذشت بیش‌تری نشان می‌دهند، رضایت زناشویی بیش‌تری دارند. اجتهادی و واحدی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ی پتانسیل خیانت در زوجین به این نتیجه رسیدند که سه متغیر تعهد زناشویی، کیفیت جایگزین و ارضای نیاز بیش‌ترین تأثیر را در تبیین پتانسیل خیانت دارند. رحیمی و همکاران (۱۳۹۵) بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری روابط زناشویی زوجین (عاطفی، جنسی، اجتماعی، خانوادگی و خویشاوندی) رابطه‌ی معناداری مشاهده کردند. براساس نتایج این پژوهش سه متغیر عضویت، نوع استفاده و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، ۳۲ درصد از تغییرات جاری روابط زناشویی زوجین را تبیین می‌کنند. شکریگی (۱۳۹۶) در پژوهشی مشابه به این نتیجه رسید که بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور طلاق عاطفی، ناسازگاری هویتی، اباحه‌گری عملی، نارضایتی از زندگی زناشویی و ظهور خانواده‌های کم یا بدون فرزند رابطه‌ی معناداری وجود دارد. حاج‌محمدی و حاج‌محمدی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ی تأثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده به این نتیجه رسیدند که میان استفاده از فضای مجازی و آسیب ارزش‌های خانوادگی رابطه وجود داشته و فضای مجازی موجب تغییر گفتار، رفتار و اخلاق نسل جدید شده است و استفاده از شبکه‌های مجازی در خانواده باعث کاهش تعاملات خانوادگی و زوال سرمایه‌ی اجتماعی پیوند خانوادگی می‌شود. در پژوهش کیانی و همکاران (۱۳۹۷) درباره‌ی نقش حسادت زناشویی در شبکه‌های اجتماعی مجازی در تجربه‌ی نظارت بر همسر این نتیجه به دست آمده است که بین حسادت زناشویی (و زیرمقیاس‌های آن) و تجربه‌ی نظارت بر همسر در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. جانان‌تان و زی‌هو^۱ (۲۰۰۲) در بررسی تأثیر اینترنت بر سه بعد کارکرد خانواده، فعالیت‌های اوقات فراغت، آزادی‌های مدنی و پنهان‌کاری به این نتیجه رسیدند که اینترنت بر کاهش کارکرد خانواده و مشارکت اعضای خانواده و در نهایت کاهش ارزش‌های خانواده مؤثر است. آمار آکادمی آمریکایی وکلای خانواده^۲ نشان می‌دهد که در پنج سال منتهی به سال ۲۰۱۰ نزدیک به ۸۱ درصد از متقاضیان طلاق یکی از دلایل درخواست طلاق خود را شبکه‌های اجتماعی مجازی عنوان

¹ Janathan & Zhou

² American Academy of Matrimonial Lawyers

کرده‌اند (آکادمی آمریکایی وکلای خانواده، ۲۰۱۰).^۱ گزارش تحقیق مشابهی که در سال ۲۰۱۱ در بریتانیا انجام شده نشان می‌دهد که یک سوم از طلاق‌های این کشور با شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک در ارتباط است. یافته‌های این مطالعه نشان داده که معمولاً یکی از طرف‌ها به گونه‌ای از فیس‌بوک استفاده می‌کند که باعث نارضایتی طرف دیگر می‌شود (وب‌سایت دیجیتال ژورنال، ۲۰۱۱).^۲ ویلگاس^۳ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ی تأثیر فناوری‌های نوین بر پویایی خانواده در جامعه‌ی آمریکا به این نتیجه رسید که این رسانه‌ها با تحت تأثیر قراردادن کم و کیف روابط خانوادگی، می‌تواند تأثیرات منفی در خانواده و روابط خانوادگی داشته باشد. در پژوهش والنزولا و همکاران^۴ (۲۰۱۴) این نتیجه به دست آمد که فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی با کیفیت ازدواج و شادی همبستگی منفی و با میزان مسایل خانوادگی و فکرکردن زوجین به طلاق همبستگی مثبت دارد.

جمع‌بندی مطالعات پیشین نشان می‌دهد نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد در خصوص روابط بین فردی پیوسته در حال تغییر است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اولاً روابط زناشویی در حال گذار از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن است. اگر چه در فرهنگ سنتی تعهد و ارضای نیازهای جنسی امری یک‌سویه بود و معمولاً از زنان انتظار می‌رفت که نسبت به شوهر خود متعهد بوده و نیازهای جنسی او را برآورده سازند ولی امروزه این باور تا حدودی تغییر کرده و متغیرهایی چون تعهد و ارضای نیازهای جنسی برای هر دو جنس واجد اهمیت شده است. جمع‌بندی تحقیقات مرتبط با تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط زوجین نیز حاکی از آن است که این شبکه‌ها تأثیر مخرب بر روابط بین زوجین دارند و بخش قابل توجهی از تغییرات روابط بین زوجین با بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معکوس دارد. مطالعات انجام‌شده بیش‌تر ابعاد منفی تأثیر این شبکه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند و از تأثیرات مثبت آن غفلت کرده یا نسبت به آن بی‌توجه بوده‌اند. به عنوان مثال یکی از تغییراتی که در روابط زوجین در حال تغییر است این است که روابط زوجین به سمت مسئولیت‌پذیرکردن هر دو زوج حرکت می‌کند و به تعبیر گیدنز روابط بین زوجین به سمت دموکراتیک شدن در حال تحول است. همان گونه که می‌دانیم و نتایج پژوهش‌های مختلف درباره‌ی شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز نشان می‌-

¹ <https://goo.gl/cqr2Ha>

² <https://goo.gl/qdqfUX>

³ Villegas

⁴ Sebastián Valenzuela, Daniel Halperna & James E. Katz

دهد یکی از کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی دسترسی آسان افراد به منابع علمی و دانشی است. از طرف دیگر مطالب روان‌شناسی یکی از موضوعات مهمی است که طرفدار زیادی در شبکه‌های اجتماعی دارد و توسط کاربران پیگیری می‌شود. طبیعی است بهره‌مندی از این مطالب می‌تواند نقش مهمی در ارتقای دانش کاربران و آماده‌کردن آن‌ها برای مدیریت روابط بین فردی و چالش‌های زندگی باشد. بنابراین در نقد مطالعات انجام‌شده می‌تواند گفت اولاً شبکه‌های اجتماعی مجازی نمی‌تواند نقش علی در این زمینه داشته باشد؛ ثانیاً این شبکه‌ها در کنار آسیب‌زا بودن و داشتن نقش مخرب می‌توانند به تسهیل دسترسی به مطالب و منابع باعث ارتقای دانش و آگاهی کاربران شده و آن‌ها را برای مواجهه با تغییرات آماده سازد. همچنین این مطالعات عموماً یک بعد از شبکه‌های اجتماعی مجازی یعنی میزان مصرف را به عنوان بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در نظر گرفته‌اند؛ در حالی که توجه به ابعاد مختلف شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله مدت مصرف، میزان فعال بودن، حضور با هویت واقعی و ... در کنار میزان مصرف امری مهم و ضروری است.

چارچوب نظری

به نظر گیدنز روابط بین فردی در خانواده در دنیای امروز تحولات بزرگی را نسبت به گذشته پشت سر گذاشته است و سامان خانواده بدون توجه به این تحولات امکان‌پذیر نخواهد بود. گیدنز معتقد است چهار تحول مهم در حوزه‌ی خانواده رخ داده است: اول این که خانواده دیگر یک واحد اقتصادی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از پیوندهاست که بیش‌تر بر اساس ارتباط و خصوصاً ارتباط عاطفی شکل گرفته است. دوم این که نقش زن و مرد، آن‌چنان‌که در گذشته ثابت و مشخص بود، ثابت نیست و شناخت ما از هویت خود، به صورت پروژه‌ای بازاندیشانه درآمده است. در حالی که در یک نسل پیش، پیوند میان زن و مرد، مخصوصاً در ازدواج سنتی عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت بود. سوم این که جوامع ما در ارتباط با روابط میان دو جنس، هر روز مساوات‌طلب‌تر و دموکراتیک‌تر می‌شوند. چهارم این که موقعیت زن در خانواده که در گذشته به عنوان یکی از دارایی‌های شخصی مرد مطرح بود تغییر کرده است. این مسأله را به صورت ویژه می‌توان در نگرش نسبت به امور جنسی مشاهده کرد (گیدنز، ۲۰۰۳). از نظر گیدنز انسان‌ها، همواره هنگام انجام هرگونه فعالیت، به زمینه‌های عمل خود نگاه می‌کنند و اطلاعات مربوط به موقعیت‌های زندگی‌شان را بررسی می‌نمایند و بر اساس آن عمل کرده و دنیای اجتماعی خود را پدید می‌آورند. با پیدایش مدرنیته و کم‌اعتباری سنت و دین، بازاندیشی سبب بازتولید نظام و

دگرگونی‌های عمیق اجتماعی شد؛ دلیل آن نیز این است که در دوره‌ی مدرن، با تولید انبوه دانش‌ها و اطلاعات و بی‌اعتباری سنت، کنشگران پیوسته عملکردهای اجتماعی خود را با توجه به زمینه‌ی کنش و در پرتو دانش و اطلاعات، مورد بازنگری قرار می‌دهند؛ زیرا ساختارهای گذشته را قابل انطباق با زمینه‌های کنش از جهت اطلاعات و آگاهی‌ها، ارتباطات و برخی دیگر از شرایط و زمینه‌ها نمی‌یابند (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۸). گیدنز معتقد است که روابط نزدیک بین اعضای خانواده در دنیای امروز تحول پیدا کرده است. نظم هنجاری که در ازدواج حالتی تحمیلی پیدا می‌کرد و به صورت یک نظم بادوام در طول زندگی ادامه می‌یافت، اینک حاکمیت خود را از دست داده و افراد به عنوان شخصیت‌های مستقل برای خود این حق را قایل‌اند که در مورد مسایل خانواده اظهار نظر نمایند. لذا گفت‌وگو و مذاکره روشی منطقی برای تصمیم‌گیری در این زمینه است. در دنیای مدرن روابط بین افراد با توافق و رضایت طرفین شکل می‌گیرد و هیچ باور و فرهنگ خاصی قدرت لازم را برای تأثیرگذاری بر آن ندارد. افراد در دنیای جدید طبق نقش‌های سنتی و باورهای خاص جنسیتی رایج در جوامع عمل نمی‌کنند؛ بلکه مختارند آن‌گونه باشند که خود مایل هستند (رسنیل و بادگیون^۱، ۲۰۰۴). رابطه‌ای که به قول گیدنز می‌توان آن را رابطه‌ی ناب نامید. رابطه‌ی ناب از تمامی قید و بندهای سنتی و الزامات بیرونی رها شده و تنها بر اساس خواسته‌ها و امیال افراد شکل می‌گیرد (مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۴۴۶). در چنین رابطه‌ای اصل بر گفت‌وگو و مذاکره و تفاهم است. در دنیای امروز افراد سرنوشت خویش را با دست خود رقم می‌زنند و هویت خود را آن‌گونه که خود مایل‌اند می‌سازند و بر مبنای ارزش‌ها و باورهایی که به آن‌ها اعتقاد دارند عمل می‌کنند. نظریه‌ی رابطه‌ی ناب، دموکراتیک‌شدن روابط نزدیک و جست‌وجوی خودشکوفایی عاطفی و روابط نزدیک را دگرگون کرده است. روابط ناب بر پایه‌ی شرایط درونی افراد و نه برحسب عوامل خارجی تعیین و تعریف می‌شود؛ لذا تا زمانی که زوجها از داشتن رابطه‌ی زناشویی با یکدیگر رضایت متقابل داشته باشند، چنین رابطه‌ای را ادامه می‌دهند. چنین رابطه‌ای مستلزم داشتن تعهد، نه تنها به فرد دیگر، بلکه نسبت به نقش رابطه‌ی اجتماعی هم هست (گیدنز، ۱۳۹۲: ۲۹۲). رابطه‌ی ناب همچنین متمرکز بر صمیمیت‌ها و خصوصیت‌هایی است که شرط اصلی ثبات عقیده‌ی پایا و درازمدت هر یک از دو طرف به شمار می‌آید. هر جا که رابطه‌ای صمیمانه در معرض تهدید سقوط به یکی از انواع این گونه رابطه‌ها قرار گیرد، «تصمیم برای تجدید تعهد

¹ Roseneil & Budgeon

متقابل و دست‌زدن به تغییرات و انتخاب‌های لازم برای نوسازی رابطه» ضرورت می‌یابد. لذا ارتباط ناب منوط به وجود اعتماد متقابل است. روابط بین پدر و مادر و فرزندان و همچنین روابط خویشاوندی گسترده‌تر تا حدی از حوزه‌ی خاص رابطه‌ی ناب برکنار می‌مانند؛ زیرا این دو نوع رابطه‌ی آخری به میزان زیادی با ضوابط و معیارهای برونی سروکار دارند: به واقع پیوندهای زیست‌شناختی مهم‌ترین عاملی است که ظهور و بقای این نوع رابطه‌ها را تضمین می‌کند. روابط خویشاوندی، در صورتی که از تکالیف و وظایف سنتی خود پالوده شده باشند، در عمل یا به صورت ارتباط‌هایی رنگ باخته و اسمی درمی‌آیند، یا به سوی نوعی رابطه‌ی ناب گرایش می‌یابند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۳۱).

در سال‌های اخیر هم‌زمان با گسترش اینترنت و ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی، شاهد نفوذ قابل توجه این شبکه‌ها در اکثر جوامع جهان هستیم. پدیده‌ای که نه تنها انقلاب بزرگی در رسانه‌های اجتماعی ایجاد کرد بلکه روابط انسانی و بین فردی را نیز دستخوش تحولات بنیادین کرده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی به دلیل داشتن قابلیت‌های فراوانی همچون «قابلیت دسترسی دایم»، «فرامکانی»، «فرازمانی»، «جهانی‌بودن»، «سیال‌بودن»، «تشدید و بزرگ‌نمایی واقعیت»، «چندرسانه‌ای بودن» و غیره، فضای مناسبی را برای بیان آرا و عقاید در اختیار کاربران قرار می‌دهد. البته امکان اظهار نظر بر روی مطالب این شبکه‌ها توسط دوستان، اهمیت شبکه‌های اجتماعی مجازی را دو چندان می‌کند. به همین خاطر عده‌ای از اندیشمندان علوم اجتماعی معتقدند که شبکه‌های اجتماعی مجازی ظرفیت و توان شکل‌گیری حوزه‌ی عمومی مجازی را دارند و کاربران آن‌ها می‌توانند از طریق این شبکه‌های مبتنی بر اینترنت به گفت‌وگو و تعامل پیرامون مسایل و موضوعات مختلف بپردازند و نگرش و الگوهای رفتاری جدید ایجاد نمایند (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲). باومن معتقد است تکنولوژی‌های ارتباطی و صنعت ارتباطات هم‌زمان مرزهای زمان و مکان را شکسته و فضای مجازی ایجاد می‌کنند و افراد به شیوه‌های نوین در آن به تعامل می‌پردازند. باومن مانند گیدنز به تأثیر مدرنیته بر ارتباطات و هم‌صدا با مانوئل کاستلز (۱۳۸۵) بر تأثیر تکنولوژی‌های ارتباطی بر زندگی اجتماعی و روابط بین فردی تأکید دارد. به نظر باومن ارتباطات در روابط انسان‌ها تغییر کیفی داشته و مهم‌ترین عامل این تغییر رشد زندگی مدرن با ویژگی‌های عقلانی و حساب‌گرایانه‌اش، شهرنشینی و تکنولوژی‌های ارتباطی و وسایل ارتباط جمعی است. سیالیت و شکنندگی زندگی مدرن بر روابط انسانی نیز تأثیر گذاشته و آن را بسیار سست، شکننده و زودگذر کرده است (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱). از طرف دیگر همه به

صورت یکسان در معرض شبکه‌های اجتماعی مجازی نیستند، لذا نمی‌توان انتظار داشت همه به یک میزان از این شبکه‌ها متأثر گردند. این تأثیرپذیری به عوامل مختلفی چون مدت عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان فعال‌بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی، نحوه‌ی حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی بستگی دارد. تکنولوژی با ورود خود به خلوت افراد، بسیاری از روابط انسانی را متحول کرده و الگوی جدیدی از روابط بین فردی را ایجاد کرده است. بنابراین فقط ارزش‌ها نیست که دچار تغییر شده است. چیزی که به همان اندازه اهمیت دارد تغییر توقعات و انتظارات مردم از روابط و مناسبات خویش با دیگران از جمله همسر است. این روابط شامل روابط متعددی است که از آن جمله می‌توان به روابط عاطفی و جنسی، صمیمیت بین زوجین، تعارض بین زوجین و نحوه‌ی حل آن، خشونت زناشویی، روابط مالی بین زوجین و توافق در مدیریت آن و در نهایت توافق در تربیت فرزندان اشاره کرد. این روابط در جامعه‌ی سنتی شکل ثابت و نظام‌یافته‌ای داشتند ولی با توجه به تحولات اجتماعی و دگرگونی ارزش‌ها، در حال تجربه‌ی تغییرات ملموسی هستند که در این شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از ابزارها و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی نقش مهمی در تسهیل این روابط داشته باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش پیمایش و جامعه‌ی آماری در این پژوهش افراد متأهل شهر تهران است. زیرا اولاً نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در تهران بیش‌تر از سایر شهرهای ایران است و ثانیاً از نظر زمانی نیز تجربه‌ی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش‌تر می‌باشد. لذا امکان مطالعه‌ی تغییرات تا حدی فراهم است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه شد که عدد ۳۴۰ به دست آمد. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است و نمونه‌ها به صورت تصادفی نظام‌مند انتخاب شده‌اند. خوشه‌های منتخب در این پژوهش همان مناطق ۲۲ گانه‌ی تهران است که حجم نمونه به نسبت جمعیت هر خوشه توزیع شده است. در انتخاب بلوک‌ها نیز برای هر ۱۵ نمونه یک بلوک در نظر گرفته شده است که به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. در انتخاب نمونه‌ها علاوه بر جنسیت، سن پاسخ‌گویان نیز کنترل شده است. برای گردآوری داده از پرسش-نامه‌ی محقق‌ساخته و برای تأمین اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار صوری بهره گرفته شده است؛ بدین صورت سوالات با توجه به چارچوب نظری و الگوی مفهومی طرح تدوین و از صاحب‌نظران این

حوزه نظرخواهی و نظرات ایشان در پرسش‌نامه اعمال شد. برای سنجش روایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب آن به تفکیک شاخص‌ها به شرح زیر است:

جدول شماره‌ی یک- تعریف عملیاتی متغیرها و روایی آن‌ها

مؤلفه	متغیر	ضریب کرونباخ
مدت استفاده	چند سال است که عضو شبکه‌های اجتماعی هستید و از آن استفاده می‌کنید؟	-
میزان استفاده	در شبانه‌روز چند ساعت از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنید؟	-
حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی	گاهی سعی می‌کنم جنسیت خود را آشکار نکنم. گاهی سعی می‌کنم خود را شخصیت دیگری معرفی کنم. همیشه با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی حضور پیدا می‌کنم.	۰/۶۲۹
فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی	مباحث و مطالب دیگران را می‌خوانم. مطالب مورد علاقه‌ام را برای دوستان و گروه‌هایی که عضو هستم فوراً می‌کنم. گاهی مطلبی نوشته و در کانال‌ها قرار می‌دهم. در مباحث گروه‌ها شرکت کرده یا نظر خود را به صورت کامنت ابراز می‌کنم.	۰/۷۲۵
وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی	چک کردن یا چک نکردن شبکه‌های اجتماعی اصلاً برایم اهمیت ندارد. بازدید و گشت‌وگذار در شبکه‌های اجتماعی، یکی از تفریحات من است. در صورت داشتن وقت اضافی به سراغ شبکه‌های اجتماعی می‌روم. اگر یک روز شبکه‌های اجتماعی خود را چک نکنم، کلافه می‌شوم. بیش‌تر از آن چه قصد دارم، برای شبکه‌های اجتماعی وقت می‌گذارم. دیگران از من به خاطر این که همیشه سرم در گوشی است شاکی هستند.	۰/۷۵۸
روابط عاطفی و رضایت جنسی	از نحوه‌ی ابراز عشق از سوی همسرم بسیار راضی هستم. از میزان ابراز عشق و محبت از سوی همسرم راضی هستم. ما همیشه به دنبال یافتن راه‌های بهبود روابط زناشویی‌مان هستیم. هنگام صحبت راجع به مسایل جنسی با همسرم کاملاً احساس راحتی می‌کنم.	۰/۸۹۳
صمیمیت بین زوجین	رابطه‌ی من با همسرم رضایت‌بخش است و ما یکدیگر را درک می‌کنیم. گاهی اوقات نمی‌توانم خواسته‌هایم را به همسرم بگویم.	۰/۷۴۶

	همسر کم‌تر احساساتش را با من در میان می‌گذارد. گاهی اوقات باور کردن تمام حرف‌های همسر برایم مشکل است. همسر خلق و خوی مرا می‌شناسد و با آن سازگاری دارد.	
۰/۷۶۵	از نحوه‌ی حل و فصل اختلاف‌های خود با همسر خشنود هستم. هنگام در میان گذاشتن مشکلات با همسر معمولاً فکر می‌کنم مرا درک نمی‌کند. گاهی اوقات درباره‌ی مسایل جزئی در خانواده جروبحث‌های جدی داریم. وقتی مشکلی بین ما پیش می‌آید برای حل آن تلاش می‌کنیم. گاهی اوقات فکر می‌کنم کشمکش‌های بین ما پایان نخواهد یافت. از نحوه‌ی حل و فصل اختلاف‌های خود با همسر خشنود هستم.	حل تعارض بین زوجین
۰/۸۱۷	در طول یک سال گذشته چقدر اتفاق افتاده که - بین شما و همسران بگویم و مشاجره اتفاق بیفتد؟ - همسران حرف‌هایی بزنند که باعث تحقیر شما شود؟ - همسران عصبانی شده و شما را تهدید کنند؟ - همسران، اشیایی به سوی شما پرتاب کرده یا چیزی بشکنند؟ - همسران به روی شما دست بلند کنند؟	خشونت زناشویی
۰/۶۶۱	از وضعیت اقتصادی خانواده و شیوه‌ی تصمیم‌گیری مربوط به آن راضی نیستم. در تصمیم‌گیری‌های مالی مشکل داریم. این که نمی‌توانم بدون اجازه‌ی همسر پول خرج کنم باعث آزارم است. از نحوه‌ی تصمیم‌گیری راجع به میزان پس‌انداز خانواده بسیار راضی هستیم. من و همسر هر دو از بدهی‌هایمان مطلعیم.	توافق مالی بین زوجین
۰/۷۴۹	از نحوه‌ی برخورد خود و همسر با فرزندان راضی نیستم. این که چه اندازه باید به فرزندانمان برسیم برای ما به صورت مشکل در آمده است. من و همسر در چگونگی کنترل رفتار فرزندانمان توافق داریم. فرزندان ما مشکلاتی را در روابطمان ایجاد می‌کنند.	توافق در تربیت فرزندان

یافته‌های پژوهش

ترکیب جنسی پاسخ‌گویان حاکی از آن است که ۵۳/۸ درصد از پاسخ‌گویان زن و ۲۰/۴۶ درصد مرد است. ۴/۵ درصد پاسخ‌گویان جوان، ۵۹/۲ درصد پاسخ‌گویان میان‌سال و ۳۶/۳ درصد پاسخ‌گویان بزرگ‌سال هستند. میانگین سنی پاسخ‌گویان نیز ۴۱/۹ سال است. ۲۰ درصد افراد متأهل بدون فرزند، ۲۳/۸ درصد دارای یک فرزند، ۳۷/۴ درصد دارای دو فرزند، ۱۲/۹ درصد دارای سه فرزند و حدود ۶ درصد نیز چهار فرزند و بیش‌تر دارند. از نظر تحصیلات پاسخ‌گویان نیز ۵۶/۲ درصد از پاسخ‌گویان دیپلم و زیر دیپلم، ۳۴/۴ درصد کاردانی و کارشناسی، ۸/۵ درصد کارشناسی ارشد و ۰/۹ درصد نیز دکتری هستند. در جدول زیر مشخصات پاسخ‌گویان آمده است.

جدول شماره‌ی دو- مشخصات پاسخ‌گویان

	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	زن	۵۳/۸
	مرد	۴۶/۲
	کل	۱۰۰
سن	جوان (زیر ۲۴ سال)	۴/۵
	میان‌سال (۲۵ تا ۴۴ سال)	۵۹/۲
	بزرگ‌سال (بالای ۴۵ سال)	۳۶/۳
	کل	۱۰۰
تعداد فرزند	بدون فرزند	۲۰/۰
	یک فرزند	۲۳/۸
	دو فرزند	۳۷/۴
	سه فرزند	۱۲/۹
	چهار فرزند و بیش‌تر	۴/۹
	کل	۱۰۰
تحصیلات	بی‌سواد	۰/۹
	ابتدایی	۶/۵
	سیکل	۱۰/۹
	دیپلم	۳۷/۹
	کاردانی	۸/۵
	کارشناسی	۲۵/۹

		فراوانی	درصد معتبر
	کارشناسی ارشد	۲۹	۸/۵
	دکتری	۳	۰/۹
	کل	۳۴۰	۱۰۰

به طور کلی ۷۷/۴ درصد از پاسخ‌گویان در شبکه‌های اجتماعی مجازی عضویت دارند و ۳۲/۶ درصد نیز عضو این شبکه‌ها نیستند. ۶/۵ درصد افراد عضو شبکه‌های اجتماعی کم‌تر از یک سال، ۱۰/۳ درصد بین یک تا دو سال، ۱۴/۴ درصد دو تا سه سال، ۱۹/۴ درصد بین سه تا چهار سال و ۱۶/۳ درصد بین چهار تا پنج سال و ۳۳/۱ درصد نیز بیش‌تر از پنج سال در شبکه‌های اجتماعی عضویت دارند. میانگین استفاده‌ی مدت زمان پاسخ‌گویان در شبکه‌های اجتماعی برابر با ۴/۵ سال است. ۱۸/۳ درصد پاسخ‌گویان روزانه یک ساعت و کم‌تر، ۲۰/۲ درصد روزانه یک تا دو ساعت، ۲۲/۱ درصد روزانه دو تا سه ساعت و ۱۵/۲ درصد نیز روزانه سه تا چهار ساعت و ۲۴/۲ درصد نیز بیش‌تر از پنج ساعت وقت خود را طرف فعالیت در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند. میانگین استفاده‌ی روزانه‌ی فعالیت پاسخ‌گویان در شبکه‌های اجتماعی برابر با ۳/۴ ساعت است. ۲۳/۲ درصد از پاسخ‌گویان عضو شبکه‌های اجتماعی مجازی فعالیت کمی در شبکه‌های اجتماعی مجازی دارند، ۷۱/۱ درصد در حد متوسط و ۵/۷ درصد نیز در حد زیاد در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند. ۰/۴ درصد از پاسخ‌گویان عضو شبکه‌های اجتماعی مجازی در حد کم، ۳۹/۹ در حد متوسط و ۵۹/۷ درصد نیز در حد زیاد با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی حضور پیدا می‌کنند. ۴۲/۲ پاسخ‌گویان در حد کم، ۵۳/۲ درصد در حد متوسط و ۴/۶ درصد نیز تا حد زیاد به شبکه‌های اجتماعی وابسته هستند.

جدول شماره‌ی سه- وضعیت بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی

		فراوانی	درصد معتبر
عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی	عضو هستم	۲۶۳	۴/۷۷
	عضو نیستم	۱۱۱	۶/۳۲
	کل	۳۴۰	۱۰۰
مدت عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی	کم‌تر از یک سال	۱۷	۵/۶
	یک تا دو سال	۲۷	۳/۱۰
	دو تا سه سال	۳۸	۴/۱۴
	سه تا چهار سال	۵۱	۴/۱۹

	فراوانی	درصد معتبر
	چهار تا پنج سال	۳/۱۶
	پنج سال و بالاتر	۱/۳۳
	کل	۱۰۰
میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی	کم‌تر از یک ساعت	۳/۱۸
	یک تا دو ساعت	۲/۲۰
	دو تا سه ساعت	۱/۲۲
	سه تا چهار ساعت	۲/۱۵
	چهار تا بیش‌تر	۲/۲۴
	کل	۱۰۰
میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی	کم	۲/۲۳
	متوسط	۱/۷۱
	زیاد	۷/۵
	کل	۱۰۰
حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی	کم	۴/۰
	متوسط	۹/۳۹
	زیاد	۷/۵۹
	کل	۱۰۰
وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی	کم	۲/۴۲
	متوسط	۲/۵۳
	زیاد	۶/۴
	کل	۱۰۰

بر اساس یافته‌های تحقیق، متغیرهای روابط عاطفی و رضایت جنسی با میانگین ۶۸/۶۲، توافق در تصمیم‌گیری مالی با میانگین ۶۱/۳۶، صمیمیت بین زوجین با میانگین ۶۰، حل تعارض بین زوجین با میانگین ۵۸/۲۴، توافق در تربیت فرزندان با میانگین ۵۵/۴۹ و خشونت بین زوجین با میانگین ۲۱/۵۲ به ترتیب بالاترین میانگین را دارند. انحراف معیار استحکام روابط عاطفی و جنسی با ۲۳/۷۵ بالاترین مقدار و انحراف معیار توافق در تصمیم‌گیری مالی با ۱۹/۲۹ کم‌ترین مقدار را دارا است.

جدول شماره‌ی چهار- وضعیت روابط بین زوجین

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد	
۲۳/۷۵	۶۸/۶۲	۱۰۰	۰	۳۴۰	روابط جنسی
۱۹/۲۹	۶۱/۳۶	۱۰۰	۰	۳۴۰	توافق در تصمیم‌گیری مالی
۱۹/۹۹	۵۹/۹۹	۱۰۰	۰	۳۴۰	صمیمیت بین زوجین
۲۰/۳۱	۵۸/۲۴	۱۰۰	۰	۳۴۰	حل تعارض بین زوجین
۲۱/۸۹	۵۵/۴۹	۱۰۰	۰	۲۶۲	توافق زوجین در تربیت فرزندان
۱۹/۹۲	۲۱/۵۲	۱۰۰	۰	۳۴۰	خشونت بین زوجین

برای بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط بین زوجین از تحلیل رگرسیون با روش هم‌زمان استفاده شد که نتایج آن در زیر آمده است:

جدول شماره‌ی پنج- ضرایب غیراستاندارد و استاندارد تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط عاطفی

و رضایت جنسی

Sig	t	Beta	اشتباه استاندارد	B			
۰.۰۰۰	۴.۸۰۵		۲.۱۸۵	۱۰.۴۹۹	(مقدار ثابت)		
۰.۰۰۱	۳.۵۱۵	۰.۲۲۴	۰.۱۲۷	۰.۴۴۵	مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰.۰۵۵	-۱.۹۳۱	-۰.۱۴۶	۰.۱۳۹	-۰.۲۶۸	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰.۳۰۵	۱.۰۲۹	۰.۰۶۹	۰.۰۷۸	۰.۰۸۱	میزان فعال‌بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰.۳۰۳	۱.۰۳۲	۰.۰۶۵	۰.۱۳۳	۰.۱۳۷	حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰.۸۸۴	۰.۱۴۶	۰.۰۱۱	۰.۰۶۶	۰.۰۱۰	میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی		
Adj. R ² :	۰.۰۴۵	R ² :	۰.۰۶۳	R:	۰.۲۵۲	F:	۳.۴۸۲

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی ۴/۵ درصد رضایت از روابط جنسی زوجین را تبیین می‌کند. متغیر مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معناداری با استحکام روابط عاطفی و رضایت جنسی دارند. ضریب تأثیر این متغیر برابر با ۰/۲۲۴ است.

جدول شماره‌ی شش- ضرایب غیراستاندارد و استاندارد تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر صمیمیت بین

زوجین

Sig	t	Beta	اشتباه استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۵/۱۶۴		۲/۲۱۲	۱۱/۴۲۳	(مقدار ثابت)
۰/۰۰۱	۳/۳۸۰	۰/۲۱۴	۰/۱۲۸	۰/۴۳۳	مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۹۸۰	۰/۰۲۵	۰/۰۰۲	۰/۱۴۱	۰/۰۰۴	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۶۲۵	۰/۴۸۹	۰/۰۳۲	۰/۰۷۹	۰/۰۳۹	میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۰۱۱	۲/۵۵۴	۰/۱۵۹	۰/۱۳۴	۰/۳۴۳	حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۱۵۹	-۱/۴۱۳	-۰/۱۱۰	۰/۰۶۶	-۰/۰۹۴	میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی
Adj. R ² :	۰/۰۶۴	R ² :	۰/۰۸۲	R:	۰/۲۸۷
				F:	۴/۶۰۷

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی ۶/۴ درصد صمیمیت بین زوجین را تبیین می‌کند. متغیرهای مدت استفاده و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معناداری با صمیمیت بین زوجین دارند. ضریب تأثیر متغیر مدت استفاده برابر ۰/۲۱۴ و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی برابر با ۰/۱۵۹ است.

جدول شماره‌ی هفت- ضرایب غیراستاندارد و استاندارد تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر حل تعارض

بین زوجین

Sig	t	Beta	اشتباه استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۵/۷۷۷		۲/۱۷۲	۱۲/۵۴۹	(مقدار ثابت)
۰/۰۰۲	۳/۱۱۰	۰/۱۹۷	۰/۱۲۶	۰/۳۹۲	مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۴۹۵	-۰/۶۸۴	-۰/۰۵۱	۰/۱۳۸	-۰/۰۹۴	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۳۲۷	۰/۹۸۳	۰/۰۶۵	۰/۰۷۸	۰/۰۷۷	میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۰۴۲	۲/۰۴۸	۰/۱۲۸	۰/۱۳۲	۰/۲۷۰	حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی
۰/۱۱۹	-۱/۵۶۳	-۰/۱۲۲	۰/۰۶۵	-۰/۱۰۲	میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی
Adj. R ² :	۰/۰۵۶	R ² :	۰/۰۷۴	R:	۰/۲۷۲
				F:	۴/۱۰۶

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی ۵/۶ درصد حل تعارض بین زوجین را تبیین می‌کند. متغیرهای مدت استفاده و حضور با هویت واقعی در شبکه-

های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معناداری با حل تعارض بین زوجین دارند. ضریب تأثیر متغیر مدت استفاده برابر ۰/۱۹۷ و حضور با هویت واقعی برابر با ۰/۱۲۸ است.

جدول شماره‌ی هشت- ضرایب غیراستاندارد و استاندارد تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خشونت بین

زوجین

Sig	t	Beta	اشتباه استاندارد	B			
۰/۰۰۰	۰/۶۹۵		۲/۸۸۰	۱۳/۵۲۳	(مقدار ثابت)		
۰/۰۰۷	-۲/۷۰۶	-۰/۱۷۱	۰/۱۶۷	-۰/۴۵۲	مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۴۰۸	۰/۸۲۸	۰/۰۶۲	۰/۱۸۳	۰/۱۵۲	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۳۳۶	-۰/۹۶۴	-۰/۰۶۴	۰/۱۰۳	-۰/۱۰۰	میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۰۰۳	-۳/۰۴۶	-۰/۱۸۹	۰/۱۷۵	-۰/۵۳۲	حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۱۸۵	۱/۳۲۸	۰/۱۰۳	۰/۰۸۷	۰/۱۱۵	میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی		
Adj. R ² :	۰/۰۶۸	R ² :	۰/۰۸۶	R:	۰/۲۹۳	F:	۴/۸۱۳

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی ۶/۸ درصد خشونت بین زوجین را تبیین می‌کند. متغیرهای مدت استفاده و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معناداری با خشونت بین زوجین دارند. ضریب تأثیر متغیر مدت استفاده برابر ۰/۱۷۱- و حضور با هویت واقعی برابر با ۰/۱۸۹- است.

جدول شماره‌ی نه- ضرایب غیراستاندارد و استاندارد تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر توافق مالی بین

زوجین

Sig	t	Beta	اشتباه استاندارد	B			
۰/۰۰۰	۶/۶۴۲		۲/۰۱۶	۱۳/۳۹۰	(مقدار ثابت)		
۰/۰۱۳	۲/۴۹۸	۰/۱۵۹	۰/۱۱۷	۰/۲۹۱	مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۱۱۱	-۱/۵۹۸	-۰/۱۲۱	۰/۱۲۸	-۰/۲۰۵	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۹۲۳	-۰/۰۹۷	-۰/۰۰۶	۰/۰۷۲	-۰/۰۰۷	میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۰۱۲	۲/۵۲۲	۰/۱۵۸	۰/۱۲۲	۰/۳۰۹	حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۸۰۲	۰/۲۵۱	-۰/۰۲۰	۰/۰۶۱	-۰/۰۱۵	میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی		
Adj. R ² :	۰/۰۴۷	R ² :	۰/۰۶۵	R:	۰/۲۵۶	F:	۳/۵۹۴

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی ۴/۷ درصد روابط مالی بین زوجین را تبیین می‌کند. متغیرهای مدت استفاده و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معناداری با توافق مالی بین زوجین دارند. ضریب تأثیر متغیر مدت استفاده برابر ۰/۱۵۹ و حضور با هویت واقعی برابر با ۰/۱۵۸ است.

جدول شماره‌ی ده - ضرایب غیراستاندارد و استاندارد تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر توافق در تربیت

فرزند

Sig	t	Beta	اشتباه استاندارد	B			
۰/۰۰۰	۵/۴۵۷		۲/۰۳۹	۱۱/۱۲۹	(مقدار ثابت)		
۰/۳۷۸	۰/۸۸۲	۰/۰۴۰	۰/۱۲۹	۰/۱۱۴	مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۰۴۳	-۲/۰۳۰	-۰/۱۱۱	۰/۱۳۰	-۰/۲۶۳	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۰۰۰	۴/۶۷۷	۰/۲۲۴	۰/۰۸۲	۰/۳۸۳	میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۰۰۱	۳/۳۶۹	۰/۱۵۰	۰/۱۲۰	۰/۴۰۴	حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی		
۰/۲۷۱	-۱/۱۰۱	-۰/۰۶۳	۰/۰۶۵	-۰/۰۷۱	میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی		
Adj. R ² :	۰/۰۶۵	R ² :	۰/۰۷۵	R:	۰/۲۷۳	F:	۷/۸۴۵

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی ۶/۵ درصد توافق در تربیت فرزندان را تبیین می‌کند. متغیرهای میزان استفاده، میزان فعال بودن و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معناداری با توافق در تربیت فرزند دارند. ضریب تأثیر متغیر میزان استفاده برابر ۰/۱۱۱-، فعال بودن برابر با ۰/۲۲۴ و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی برابر با ۰/۱۵۰ است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط بین زوجین است؛ ولی قبل از وضعیت روابط زوجین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که در بین متغیرهای مورد بررسی، متغیر روابط عاطفی و جنسی مرکز نسبتاً از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و بالاترین میانگین را در بین متغیرهای مورد بررسی دارد. حل مسایل بین زوجین از جمله تصمیم‌گیری‌های مالی، حل تعارضات و تربیت فرزندان کمی بالاتر از میانه است که مسأله‌ی نشان‌دهنده‌ی وجود مشکلات قابل توجه پیش‌روی زوجین است. این یافته با نظریه‌ی

گیدنز (۱۳۸۵) درباره‌ی اهمیت روابط عاطفی و جنسی در روابط زوجین در جوامع جدید همخوانی دارد. وی معتقد است: امروزه انتخاب همسر به صورتی روزافزون از تمایل برای برقراری پیوند عاشقانه و یا عشق تأثیر پذیرفته است؛ رابطه‌ای که پیونددهنده‌ی تمایلات جنسی با پیمان زناشویی است. سمت و سوی کلی تغییرات این است که مسایل عاطفی و رضایت جنسی، صمیمیت و تصمیم‌گیری دموکراتیک درباره‌ی مسایل خانواده در حال برجسته‌شدن است. درواقع خانواده در ایران در حال تجربه‌ی امر بسیار مهمی است: از یک طرف پیرنگ‌شدن نقش همسر با تأکید بر روابط عاطفی و رضایت جنسی و از سوی دیگر دموکراتیک‌شدن تصمیمات خانواده بر اساس نظرات زوجین. اگرچه در اطلاق رابطه‌ی ناب به این امر باید با احتیاط عمل کرد، ولی بخشی از ویژگی‌هایی که گیدنز برای رابطه‌ی ناب عنوان کرده است، در خانواده‌ی در حال تحول امروز ایران قابل مشاهده است. طبق نظریه‌ی رابطه‌ی ناب، دموکراتیک‌شدن روابط نزدیک و جست‌وجوی خودشکوفایی عاطفی و روابط نزدیک را دگرگون کرده و امکان برقراری «روابط ناب» را به وجود آورده است؛ روابطی که بر پایه‌ی شرایط درونی خودشان و نه بر حسب عوامل خارجی، تعیین و تعریف می‌شوند. لذا تا زمانی که زوجها از داشتن رابطه‌ی زناشویی با یکدیگر رضایت متقابل داشته باشند چنین رابطه‌ای را ادامه می‌دهند. تا این جا می‌توان با گیدنز همراه بود؛ روابط عاطفی و جنسی همان‌گونه که نتایج تحقیق نیز نشان داد در روابط بین زوجین نقش پررنگی دارد. ولی گیدنز در ادامه عنوان می‌کند که «هر لحظه که این احساس در آن‌ها از بین برود دلیلی برای تداوم آن ندارند. ارتباط ناب، نوعی رابطه‌ی اجتماعی است که می‌توان آن را به دلخواه پایان داد و تنها تا زمانی پایدار است که فواید درمانی کافی برای شخص داشته باشد» (گیدنز، ۱۳۸۵). به نظر می‌رسد این بخش از رابطه‌ی ناب در خانواده ایرانی هنوز بسیار کم‌رنگ و کم‌رمق باشد؛ چرا که گسستن روابط خانوادگی در ایران هنوز به این سادگی نبوده و پیچ و خم‌های قانونی و عرفی زیادی دارد. هرچند میزان بالای طلاق عاطفی در بین زوجین احتمالاً بیش از هر چیز ناشی از همین پیچ و خم‌های قانونی و عرفی گسست روابط و پیوندهای خانوادگی است. بنابراین کمی با احتیاط و با تأسی از گیدنز می‌توان گفت روابط بین زوجین بیش از پیش در حال حرکت و تبدیل به رابطه‌ای است که علت پیدایش و ادامه‌ی آن، احساس رضایت عاطفی خاصی است که از هم-زیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می‌شود.

بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط بین زوجین نشان داد که شبکه‌های اجتماعی مجازی شبکه‌های اجتماعی مجازی ۶۸ درصد خشونت بین زوجین، ۶۵ درصد توافق

در تربیت فرزندان، ۶.۴ درصد صمیمیت بین زوجین، ۵.۶ درصد حل تعارض بین زوجین، ۴.۷ درصد روابط مالی بین زوجین و ۴.۵ درصد رضایت از روابط جنسی زوجین را تبیین می‌کند. بررسی تأثیر ابعاد شبکه‌های اجتماعی مجازی نشان داد که متغیرهای مدت فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، حضور با هویت واقعی و میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی با روابط بین زوجین رابطه‌ی معنادار دارند. مدت فعالیت و عضویت در شبکه‌های اجتماعی بر متغیرهای رضایت جنسی، صمیمیت بین زوجین، حل تعارض بین زوجین، توافق مالی بین زوجین و خشونت بین زوجین تأثیر دارد. میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر متغیر توافق در تربیت فرزند تأثیر دارند. حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر متغیرهای صمیمیت بین زوجین، حل تعارض بین زوجین، خشونت بین زوجین، توافق مالی بین زوجین و توافق در تربیت فرزند تأثیر دارند. بین وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و متغیرهای مورد بررسی رابطه‌ی معنادار مشاهده نشد. از بین ابعاد بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی مدت حضور در شبکه‌های اجتماعی و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر مثبت بر روابط بین زوجین را نشان می‌دهد. در واقع می‌توان گفت فعالیت درازمدت در شبکه‌های اجتماعی مجازی به درک متقابل افراد از یکدیگر کمک کرده و باعث بهبود روابط زوجین می‌شود. میزان فعالیت افراد در شبکه‌های اجتماعی مجازی که میزان وقت اختصاص یافته در طول شبانه‌روز به شبکه‌های اجتماعی مجازی را نشان می‌دهد، تأثیر منفی بر روابط بین زوجین دارد و افزایش خشونت بین زوجین را به دنبال دارد. درواقع تأثیر منفی متغیر «میزان فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی» با نتایج پژوهش ویلگاس (۲۰۱۳) و والنزولا و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. ویلگاس در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته بود که فناوری‌های تکنولوژیک نوین بر پویایی روابط خانوادگی و زوجین در جامعه‌ی آمریکا تأثیر منفی دارد. از نظر ایشان این رسانه‌ها در کنار گشودن افق‌ها و فرصت‌های جدید فراروی کاربران می‌تواند با تحت تأثیر قرار دادن کم و کیف روابط زوجین تأثیر منفی در خانواده و روابط خانوادگی داشته باشد. والنزولا و همکاران (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی به این نتیجه دست یافته بودند که فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی با کیفیت ازدواج و شادی همبستگی منفی و با میزان مسایل خانوادگی و فکرکردن زوجین به طلاق همبستگی مثبت دارد. این یافته در این پژوهش نیز به شکل دیگری مورد تأیید قرار گرفت. زیرا بر اساس یافته‌های این پژوهش متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با توافق در تربیت

فرزند رابطه‌ی معکوس دارد و باعث اختلال در توافق بین زوجین در تربیت فرزند می‌شود. در حقیقت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در بلندمدت اثر مثبت و سازنده بر روابط بین زوجین داشته و به بهبود روابط اجتماعی و متقابل آن‌ها کمک می‌کند. ولی استفاده‌ی زیاد از شبکه‌های اجتماعی مجازی و حضور با هویت غیر واقعی باعث تخریب روابط بین زوجین می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صرف کاربری و عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر مثبت یا منفی بر روابط بین زوجین ندارد. بلکه کیفیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی است که تأثیر و پیامدهای مثبت و منفی به دنبال دارد. به عنوان مثال همان طور که نتایج نیز نشان داد مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه‌ی معکوس با خشونت بین زوجین و در مقابل میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث اختلال در توافق در تربیت فرزند می‌شود. از سوی دیگر میزان تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط زوجین نسبتاً کم و ضعیف است.

مقادیر ضرایب تعیین تعدیل‌شده به دست آمده از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که تأثیر مجموعه ابعاد مختلف بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی اگرچه نسبتاً کم و ناچیز بوده ولی معنادار است. آن چه مهم است این است که علی‌رغم نتایج بسیاری از پژوهش‌ها که به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر منفی بر روابط بین زوجین دارد، نتایج این پژوهش نشان داد که بهره‌مندی از شبکه‌ی اجتماعی تأثیر صرفاً مثبت یا منفی بر روابط زوجین ندارد؛ بلکه کیفیت و نحوه‌ی حضور و فعالیت افراد در شبکه‌های اجتماعی مجازی تعیین‌کننده‌ی میزان و نوع تأثیر است. نکته‌ی دیگری که باید بدان توجه کرد این است که تغییرات فرهنگی روزافزون جوامع را نمی‌توان صرفاً به شبکه‌های اجتماعی مجازی منتسب کرد؛ زیرا خود شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از ابزارهای نوین ارتباطی در خدمت پدیده‌ی عام و جهان‌شمول‌تری به نام جهانی‌شدن هستند؛ زیرا اگر نظریه‌ی گیدنز را مبنا قرار دهیم و چهار تحولی را که ایشان از آن به عنوان تحولات کلان حوزه‌ی خانواده نام می‌برد، بپذیریم در نتایج به دست آمده از این پژوهش نیز قابل مشاهده است. به عنوان مثال اگر دو بعد از ابعاد شبکه‌های اجتماعی مجازی یعنی میزان استفاده‌ی روزانه و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی را که رابطه‌ی معکوس و تأثیر منفی بر متغیرهای مورد بررسی داشتند کنار بگذاریم، خواهیم دید که تأثیر ابعاد سه گانه‌ی مدت فعالیت، حضور با هویت واقعی و میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی، کاملاً با تغییراتی که گیدنز به آن‌ها اشاره کرده است، همخوانی دارد؛ چراکه کسانی که بیش‌تر از شبکه‌های اجتماعی مجازی بهره می‌برند،

روابط عاطفی و جنسی و صمیمیت بین زوجین در بین آن‌ها با اهمیت‌تر بوده و همچنین مهارت بیش‌تری در حل تعارض بین زوجین داشته و درباره‌ی مناسبات مالی و نحوه‌ی تربیت فرزندان توافق بیش‌تری دارند. از طرف دیگر خشونت بین زوجین نیز در بین آن‌ها پایین‌تر از سایرین است. سمت و سوی این تحولات نشان می‌دهد که این تحولات با تحولات مورد اشاره‌ی گیدنز و همچنین جهانی‌شدن هم‌سو هستند. از طرف دیگر پایین‌بودن ضریب تعیین تعدیل‌شده و بتای محاسبه‌شده نیز نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی بخش بسیار کوچکی از تغییرات روابط زوجین را تبیین می‌کند. مسأله‌ای که می‌تواند به تبیین این مسأله کمک کند، این است که افرادی که از شبکه‌های اجتماعی بیش‌تر بهره‌مند هستند، از نظر تحصیلات از سطح سواد بالاتری برخوردار هستند و از نظر سنی نیز جوان‌تر هستند. طبیعی است این گروه‌ها بیش‌تر از سایرین در معرض فرهنگ جهانی قرار دارند و بیش‌تر از بقیه در معرض ارزش‌های جهانی هستند. لذا بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که شبکه‌های اجتماعی مجازی نه به عنوان علت تغییرات اجتماعی (در این جا روابط زوجین) بلکه این ابزار در فرآیند تغییرات، بیش‌تر نقش تسهیل‌کننده دارد. بنابراین می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که بخش بزرگی از تغییرات روابط بین زوجین ناشی از اتفاقات و تحولاتی است که در دنیای واقعی در جریان بوده و ذیل روند جهانی‌شدن قرار دارد و شبکه‌های اجتماعی مجازی، ابزاری ارتباطی هستند که باعث تسهیل تعاملات اجتماعی و در نتیجه تسهیل تغییرات اجتماعی می‌شوند؛ چراکه در صورت حذف این عامل روند تحولات اجتماعی متوقف نخواهد شد. لذا بزرگ‌نمایی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی و در نظر گرفتن آن به عنوان عامل تغییرات اجتماعی و غفلت از روندهای کلان تغییرات جهانی در حوزه‌ی خانواده و روابط بین فردی می‌تواند ما را گمراه کرده و در شناخت دقیق و مسأله‌یابی تحولات روابط بین فردی به بیراهه برد.

سپاس‌گزاری

اطلاعات آماری این مقاله از داده‌های طرح «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط خانوادگی» که با اعتبار معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی توسط نگارنده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی اجرا شده استخراج شده است. بدین وسیله از معاونت پژوهش و فناوری جهاد دانشگاهی و معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی به خاطر حمایت از این طرح تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

۱. اجتهادی، مصطفی و گلناز واحدی (۱۳۹۵) «بررسی جامعه‌شناختی پتانسیل خیانت در روابط زناشویی و عوامل مؤثر بر آن در بین کارمندان ادارات دولتی و خصوصی»، *جامعه‌شناسی ایران*، سال هفدهم، شماره‌ی ۴: ۱۰۵-۱۳۸.
۲. باومن، زیگموند (۱۳۸۴) *عشق سیال*، ترجمه‌ی عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.
۳. حاج‌محمدی، فرشته و سمیرا حاج‌محمدی (۱۳۹۶) «تأثیرات اخلاقی استفاده از فضای مجازی بر پیوند زناشویی و روابط فرزندان در خانواده»، *اخلاق*، دوره‌ی جدید، سال هفتم، شماره-ی ۲۸ (پیاپی ۵۰): ۲۰۹-۲۲۴.
۴. رحیمی، محمد؛ شکرپیگی، عالیہ؛ ساروخانی، باقر و زهرا حضرتی صومعه (۱۳۹۵) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در روابط زناشویی زوجین منطقه‌ی یک شهر تهران»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال سیزدهم، شماره‌ی ۴ (پیاپی ۵۱): ۱-۱۸.
۵. شکرپیگی، عالیہ (۱۳۹۶) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و ظهور تحولات در روابط زناشویی زوجین منطقه‌ی ۱ شهر تهران»، *فصل‌نامه‌ی جامعه‌شناسی ایران*، سال هجدهم، شماره‌ی ۲: ۹۵-۱۲۷.
۶. شکوری، علی و تقی آزاد ارمکی (۱۳۸۱) «مدرنیته و خانواده‌ی تهرانی»، *فصل‌نامه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشکده‌ی اصفهان*، ۲ (۳۱)، پاییز و زمستان: ۲۴۵-۲۶۸.
۷. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز و حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۸. کیانی، مسعود؛ رحیمی، حمید و آزاده مللی (۱۳۹۷) «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روی روابط زوجین: نقش حسادت و نظارت زناشویی»، *اخلاق*، سال هشتم، شماره‌ی ۳۰ (پیاپی ۵۲): ۹۷-۱۲۲.
۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) *راه سوم، بازتولید سوسیال دموکراسی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر شیرازه.
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) *تجدد و تشخیص*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲) پیامدهای مدرنیته، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ هفتم، تهران: نشر مرکز.
۱۲. مک کارتی، جین رینز و روزالیند ادواردز (۱۳۹۰) مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه‌ی محمدمهدی لیبی، تهران: نشر علم.
۱۳. موحدی، معصومه؛ موحدی، یزدان و کلثوم کریمی‌نژاد (۱۳۹۳) «بررسی رابطه‌ی رضایت زناشویی، صمیمیت و کیفیت روابط زناشویی در متأهلین باگذشت»، فصل‌نامه‌ی مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال ۴، شماره‌ی ۴: ۶۵۲-۶۳۳.
۱۴. یزدخواستی، بهجت؛ عدلی پور، صمد و الهام کبخانی (۱۳۹۲) «حوزه‌ی عمومی و گفت‌وگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی»، مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال ۴، شماره‌ی ۲۱: ۸۱-۱۰۱.

15. Giddens, A. (1992) *the Transformation of Intimacy: Sexuality, Love, and Eroticism in Modern Societies*. Polity Press.

16. Giddens, A. (2003). *Globalization and Family vision*. Translation: MohammadReza jalaeipour, magazine of Aftab political, economic and social.

17. Katz, J. E., & Rice, R. E. (2002). *Social consequences of Internet use: Access, involvement, and interaction*. MIT press.

18. LaRossa, R., & Reitzes, D. C. (2009). Symbolic interactionism and family studies. In *Sourcebook of family theories and methods* (pp. 135-166). Springer, Boston, MA.

19. Miller, H. (1995). *The Presentation of Self in the Electronic Life*, Nottingham: Trent University.

20. Roseneil, S., & Budgeon, S. (2004). Cultures of intimacy and care beyond 'the family': Personal life and social change in the early 21st century. *Current sociology*, 52(2), 135-159.

21. Smith, S. R., Hamon, R. R., Ingoldsby, B. B., & Miller, J. E. (2012). *Exploring family theories*. New York, NY: Oxford University Press.

22. Turkle, S. (2011). *Life on the Screen*. Simon and Schuster.

23. Valenzuela, S., Halpern, D., & Katz, J. E. (2014). Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey and state-level evidence from the United States. *Computers in Human Behavior*, 36, 94-101.

24. Villegas, A. (2013). The Influence of Technology on Family Dynamics. *Proceedings of the New York State Communication Association*, 2012(1), 10.

25. Zhu, J. J., & He, Z. (2002). Diffusion, use and impact of the Internet in Hong Kong: A chain process model. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 7(2), 0-0.